



توسعه دارای دو
رویکرد متفاوت
است: «توسعه
تکاثری» که مضموم
است و «توسعه
کوثری» که ممدوح
است. این‌ها هر
کدام دارای «فصل»
متمایزکننده
هستند و هریک
اولاً مبادی و مبانی
و ثانیاً مواد حقوقی
و شاخصه‌های
مخصوص به خود
را دارند. توسعه
کوثری آن است
که «پایدار» باشد و
«همه‌جانبه»، معنای
پایدار آن است که
نسل آینده را هم
در نظر داشته باشد.
ما می‌خواهیم نسل
آینده شکم‌شان
تأمین و دین‌شان
محفوظ باشد.

گردش سرمایه و فرصت برابر

شاخصه دوم آن است که توسعه باید همه‌جانبه باشد. نه فقط پایدار در طول، بلکه پایدار در عرض؛ و برای همه مردم در طول نسل‌ها، نه برای یک نسل. قرآن کریم همه‌جانبه بودن را در سوره مبارکه حشر بیان کرده است: آنچه که ما به شما عطا کردیم، این سرمایه می‌شود. آن‌جا که می‌گوییم سهم فقرا را بدهید و در سهم آن‌ها دخالت نکنید، برای این است که مبادا این سرمایه و ثروت بین یک عده خاص دست به دست شود. کی لا یكون دولةً بین الأغنیاء منکم.

دوله یعنی تداول و دست به دست شدن. ثروت مثل خون مملکت است. اگر خون فقط در یک بخش از اعضای بدن جریان داشته باشد، بقیه اندام‌ها فلج می‌شوند. قرآن کریم می‌فرماید این ثروت باید تداول بین الناس اجمعین داشته باشد، نه بین الأغنیاء منکم. در نظام سرمایه‌داری، کل ثروت در دست اغنیاء است. بقیه عملاً هیچ! سوسیال بلشویک ورشکسته شرق نیز همین‌گونه است. اما در این دومی، سرمایه دست دولت بود

اگر کاسبی از سرمایه بگیرد و هزینه فرزندانش را تأمین کند، آغاز ورشکستگی اوست. او باید درآمد داشته باشد و از آن هزینه‌های خود را تأمین کند. کسی که نفهمد سرمایه چیست و سود چیست، راهی برای تولید ندارد. او باید بداند آنچه در زمین است، پایدار است. زمین فروشی، سرمایه‌خوردن است؛ نفت و گاز فروشی، سرمایه‌خوردن است؛ معدن فروشی، سرمایه‌خوردن است. این همه روایت داریم که اگر کسی زمین بفروشد، هیچ برکتی در آن نیست. این ناظر است به این که سرمایه را نمی‌توان فروخت. بنابراین توسعه کوثری از این‌جا شروع می‌شود.

شاخص‌های توسعه کوثری

همان‌گونه که اشاره شد، شاخصه اول این است که بفهمیم سرمایه کدام است و سود کدام؟ باید سرمایه را کاملاً حفظ کرد و راه ایجاد درآمد را دانست؛ بعد از استحصال درآمد، آن را هم در داخل و هم در خارج عرضه کرد تا نیاز کشور تأمین شود.